



پیمان وجدانی کیا

پیامبران حقیقت

ویراستار : کبری سید
(کارشناس ارشد فقه و حقوق)



انتشارات آشنایی

سرشناسه: وجدانی کیا، پیمان، ۱۳۶۵ -

عنوان: پیامبران حقیقت

نام پدیدآور: پیمان وجدانی کیا/ ویراستار: کبری سید (کارشناس ارشد فقه و حقوق)
مشخصات نشر: تهران: آشنایی، ۱۳۹۳.

مشخصات ظاهری: ۶۴ ص.

شابک: ۵-۳۹-۶۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸

وضعیت فهرست نویسی: فیا

موضوع: پیامبران

موضوع: پیامبران در قرآن

رده بندی کنگره: ۱۳۹۳ پ ۳ و ۸۸ BP

رده بندی دیسی: ۲۹۷/۱۵۶

شماره ی شابشناسی ملی: ۳۴۰۳۹۵۷



انتشارات آشنایی

- نام کتاب: پیامبران
- پدیدآور: پیمان وجدانی کیا
- ویراستار: کبری سید
- ناشر: انتشارات آشنایی
- نوبت چاپ: اول ۱۳۹۳
- حروف نگار و صفحه آرا: زهرا کشاورز باقری
- تصویرگر: الهام محمدپور
- شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه
- قیمت: ۵۰۰۰ تومان
- شابک: ۵-۳۹-۶۹۶۰-۶۰۰-۹۷۸

انتشارات آشنایی: تهران - صندوق پستی ۳۳۹۹-۱۵۸۱۵

تلفن مرکز پخش: ۳۳۱۶۸۸۱۹ - ۹۲۸۴ - ۳۷۰۹۱۲

Email: ashенаei_pub@

فهرست مطالب

عنوان	صفحه
مقدمه.....	۵
حضرت آدم (ع).....	۱۰
حضرت نوح (ع).....	۱۱
حضرت صالح (ع).....	۱۴
حضرت موسی (ع).....	۱۶
حضرت داود (ع).....	۲۰
حضرت عیسی (ع).....	۲۲
خاتم پیامبران حضرت محمد مصطفی (ص).....	۲۴
امام مهدی (ع).....	۳۰
بشارت‌هایی از تورات و انجیل.....	۳۱
وعده به امام قائم (ع) در قرآن کریم.....	۳۳
بلاهای امت در غیبت امام مهدی (ع).....	۳۷
شکست در شناخت امام مهدی (ع) و استقبال از ایشان.....	۴۴
شکست در همراهی و حرکت با امام مهدی (ع).....	۴۷
خاتمه (ارشاداتی از اهل بیت (ع) برای نجات از فتنه‌ها قبل از قیام قائم (ع).....	۵۳
۱- رجوع به قرآن کریم.....	۵۴
۲- اقتداء به امام مهدی (ع) قبل از ظهور و قیام مبارک ایشان (ع).....	۵۶
۳- اهتمام به مطالعه و تحصیل روایات اهل بیت (ع).....	۵۷
۴- پناه بردن به دعا و تضرع به درگاه خداوند.....	۵۸
۵- با دین خود فرار کردن.....	۵۹
۶- تبعیت از مقدمه سازان ظهور امام مهدی (ع) قبل از قیامش.....	۶۱

مقدمه

خداوند انس و جن را به این جهان دنیا را به این خاطر آفرید که او را عبادت کنند، تا عبادت قلبی و یک معرفت حقیقی نسبت به او پیدا کنند، و نه عبادت ظاهری که سبب برای صاحبش نداشته و ضرری را از او دفع نمی‌کند، و برای رسیدن به حقیقت و معرفت خدا، بایستی راه‌هایی باشد که انسان به این مقصد برساند، چرا که خداوند از صحبت مستقیماً و بدون واسطه انسان با منزله است، بلکه برای این که انسان‌ها خداوند را بشناسند خداوند فرستادگان و پیامبران را برای معرفت خود به صورت راه‌های آشکار داد، و کسی که توفیق راهیابی به معرفت را پیدا کند و پیامبران و اوصیای الهی را بپذیرد و بر آن‌ها عمل کند و در راه آنان گام بردارد بر حسب استعداد و صفات و باطن و پاکی فطرت به درجاتی از کمال می‌رسد اما اگر کور بوده و عاشق دنیا باشد شاز راه به در می‌شود و وارد جهنم می‌شود و مصداق این آیه (ظُلُمَاتٌ بَعْضُهَا فَوْقَ بَعْضٍ إِذَا أَخْرَجَ يَدَهُ لَمْ يَكْذِبْ)

يَرَاهَا وَ مَنْ لَمْ يَجْعَلِ اللهُ لَهُ نُورًا فَمَا لَهُ مِنْ نُورٍ^۱ (در تاریکی‌هایی بسیار فرو رود به طوری که اگر دست خود را در مقابل دیدگانش قرار دهد آن را نمی‌بیند و هر که را خدای نور نبخشد هرگز روشنی نخواهد یافت).

و نکته مهم شناخت حال مردم در برخورد با پیامبران و دریافتن این نکته که چرا مردم آنها را تکذیب می‌کردند و چرا همیشه آبریت فرستادگان را تکذیب می‌کردند و جواب سؤال در این آیه است.

(وَ أَرْسَلْنَا إِلَيْهِمُ مُوسَىٰ كَلِّمًا جَاءَهُمْ رَسُولٌ بِمَا لَا تَهْوَىٰ أَنْفُسُهُمْ فَرِيقًا يَقْتُلُونَ)^۲

(و ما برای آنها فرستادگان را ارسال کردیم و هرگاه که پیامبران ما آنها را به راه راست هدایت کردند چون به مذاق آنها خوش نمی‌آمد عده‌ای از آنها پیامبران را تکذیب کردند و عده‌ای دیگر پیامبران را کشتند).

و هوای نفس همان درخت خبیثه ای است که دارای شاخه‌های فراوان است که در دل کافران و اهل شک و تردید و از جوانه‌های این درخت سر شیاطین است می‌رویند و شکم هایشان را از این تاریکی‌ها پر می‌کنند به طوری که دیگر نمی‌توانند

خودشان را ببینند جز هوای نفس اماره شان را که به هر سو بخواهد آنها را می کشد و آنها مصداق این گفته شاعر شدند که:

بنی إن من الرجال بهیمة

فی صورة الرجل السميع المبصر

فطن لكل رزية فی ماله

و إذا أصاب به لم يشعر

فرزندانم صیقل برسان ها، نهاد حقیقت حیوانند که به صورت انسانی بینا و سواد آمدند و همه هوش و توان خود را در مورد اموالشان به کار می برند و این ضرری ناراحت می شوند و اگر در دین او ضرری حاصل شود اهمیتی نمی دهند.

و این سنت خداوند است که هیچ کسی نمی یابد و آن هنگام که امتی از راه مستقیم خداوند دور می شود و احکام الهی را ترک می کند و به سوی هوای نفس و دنیا و مناصب می روند و بعضی فراوان است... و هنگامی که پیامبر یا فرستاده با اخلاق آسمانی و احکام الهی که مخالف نفس انسان های منحرف که اکثریت قشر جامعه را تشکیل می دهند می آید، و همان کسانی که تابع دنیا هستند و پیروی از دعوت های الهی را تکذیب می کنند چرا که مخالف نفس آنان است و آنها به پیامبران دروغ ها و تهمت های فراوان نسبت می دهند، سستی که در تمامی زمان ها جاری بوده و به فرستادگان خدا می گفتند ساحر و مجنون و دروغگو و...

و نکته ای را که می‌خواهم بر آن تأکید کنم این است که تمامی امت‌ها منتظر فرستاده‌ی موعود خود بودند و آنها را با تمامی اسم‌ها و صفات می‌شناختند و در زمان ظلم و ستمی که گریبان گیر آنها بوده به سوی خدا تضرع و زاری و التماس می‌نمودند که برای آنها پیامبری بفرستد تا آنها را از این خفت و خواری نجات دهد، ولیکن هنگامی که خداوند، پیامبر موعود را با تعالیم الهی خود که برخلاف ایشا است می‌فرستد، شروع به تکذیب او می‌کنند و اتهام جادری می‌زنند، خون و دروغ را به او نسبت می‌دهند، و از او روی می‌گردانند. برخی پا را فراتر نهاده و پیامبران را می‌کشتند یا به صلیب می‌کشیدند یا آنها را از شهرشان بیرون می‌رانند و این رویداد و حادثه‌ی برگزیده‌ی او با بازگشت امام مهدی (عج) تکرار می‌شود و همانگونه که در روایت ائمه آمده ما به او می‌گوییم (ای پسر فاطمه بازگرد که ما را با تو کار نیست).

و به همین خاطر و با توکل بر خداوند می‌رای شناخت احوال بعضی از امت‌ها که منتظر انبیاء الهی بوده‌اند، بر ما به نوشتن این تحقیق متواضعانه کردم، و هنگامی که در انتظار بگردیدند و پیامبران را تکذیب کردند و آنها را بیرون راندند و به آنها گفتند که ما هیچ گونه احتیاجی به شما نداریم و آنچه پدرانمان می‌پسیدند را عبادت می‌کنیم و ما شما را از گمراهان می‌بینیم.

و باید بدانیم که: شکست در انتظار بر دو نوع است:

اولی: شکست در استقبال و معرفت پیامبر یا امام، و دومی: شکست در همراهی پیامبر یا امام که بعد از استقبال و معرفت ایشان اتفاق می‌افتد، به طور مثال قوم نوح(ع) در استقبال و شناخت پیامبر خود شکست خوردند و قوم موسی(ع) از پیامبر خود استقبال نکرد و ایشان را شناختند ولیکن در همراهی با او شکست خوردند، و آن هنگام که فعون آنها را تعقیب کرده و در کنار نیل آنها را محاصره کرد، بنی اسرائیل گفتند که آنها به ما رسیدند و موسی به آنها گفت که خدا با من است و مرا هدایت می‌کند، و آن هنگام که آنها را دعوت به اسلام کرد.

گفتند: «فَاذْهَبْ أَنتَ وَبَنُو إِسْرَافِيلَ فَاقَاتِلْ إِنَّا هَاهُنَا قَاعِدُونَ»^۱ (تو و خدایت بروید و بجنگید ما اینجا جمعی بنشینیم).

و هنگامی که حضرت موسی(ع) مدت ۴۰ روز از میان آنها رفت روی به اطاعت از سامری کرده و شروع به بستیدن گوساله به جای خداوند شدند.

و اما هنگام ظهور امام مهدی(ع) هر دو نوع شکست اتفاق خواهد افتاد، پس قومی در معرفت و استقبال از ایشان شکست می‌خورند و البته آنها اکثریت مردم هستند، و سپس کسانی که ایمان آورده‌اند و در همراهی ایشان شکست خواهند خورد.

و این یک دعوتی است تا ما با تفکری عمیق به شناخت و مرور احوال و اوضاعی را که در این راه شکست خورده‌اند، بپردازیم و از

آن پند بگیریم تا بار دیگر این وقایع برای ما تکرار نشود و راه آنان را نروی. و از خداوند می‌خواهیم که به ما توفیق دهد که حق را بشناسیم و ما را در زمره‌ی یاری دهندگان آن حضرت قرار دهد که بشنوا و مجیب و پاسخ دهنده‌ی ندای منادیان است.

حضرت آدم(ع)

خداوند وعده خلق آدم(ع) و اختیار او به عنوان خلیفه در زمین را به فرشتگان داده بود و فرمود: «إِنِّي جَاعِلٌ فِي الْأَرْضِ خَلِيفَةً» (من در زمین جاعل خواهم گماشت).

و آن هنگام که خداوند آدم(ع) را آفرید به فرشتگان دستور داد تا برای او سجده کنند و همگی این کار را انجام داده جز ابلیس که امتناع کرده و تکبر نمود.

و آن سخن معروفش را گفت: «قُلْ أَنَا خَيْرٌ مِّنْهُ خَلَقْتَنِي مِن نَّارٍ وَ خَلَقْتَهُ مِن طِينٍ»^۱ (گفت: که من را از آتش آفریدی و او را از گِل).

و ابلیس از فرشتگان محسوب می‌شد بلکه در صدر فرشتگان به طاووس فرشتگان معروف بوده و هیچ مکانی بر روی زمین باقی نمانده بود که اثری از سجده‌های او بر آنجا نباشد و روایت شده که خدا را ۶۰۰ سال عبادت کرد و روایت شده که وی دو رکعت نماز را در مدت ۶۰۰ سال خواند و علی رغم تمامی این‌ها ابلیس در امتحان

خداوندی شکست خورد و نافرمانی کرد و اولین شکست خورده در انتظار همان ابلیس است - که لعنت خدا بر او باد.

حضرت نوح(ع)

ریس پیامبر(ع) از شیعه خود غائب شد تا اینکه غذایی نزد آنها نمانده و ظالمین خون بسیاری از آنها را ریختند و بقیه را ترساندند، سپس ادبش را بهور کرد و مژده‌ی آمدن منجی آنها از سلاله‌ی خود یعنی نوح(ع) را به ریس از آن خداوند، ادریس(ع) را به آسمان عروج داد و طرفدارانش را برین‌ها و نسل‌های بسیار منتظر قیام حضرت نوح(ع) بودند و بر ظلم سنگ‌کاری صبر می‌کردند تا اینکه نوح ظهور کرد.^۱

و همان گونه که ذکر شد شیعه نوح منتظر ظهورش بودند و وعده‌ی او را شنیده بودند و او کسی بود که آنها را نجات می‌داد و این وعده ادریس پیامبر بود.

ولیکن نگاهی بیندازیم به قوم نوح که آیا او را توبه می‌کردند یا آنکه او را انکار کردند و به عبارت دیگر آیا در امتحان انتظار می‌شدند یا شکست خوردند؟

صاحب کتاب إلزام الناصب به نقل از کتاب اکمال دین شریف صادق داستان نوح(ع) با قوم خود هنگام بعثت را نقل می‌کند (در هنگامی که پس از شدايد و سختی‌های بسیار نوح ظهور کرد ولی

مردم او را قبول نکرده بلکه به مخالفت با او پرداختند و وی را مورد ضرب و شتم قرار می‌دادند طوری که بعضی اوقات تا سه روز بیهوش می‌شد و درحالی که به هوش می‌آمد که از گوشش خون بیرون می‌آمد و پس از گذشت ۳۰۰ سال از دعوت ایشان مردم به او روی نمی‌آوردند و او آنها را به طور مخفیانه یا علنی دعوت کرد ولی آنها فراموش کردند تا آنکه در روزی بعد از نماز صبح برای دعا نشست که فرشته از آسمان هفتم در صبحگاه بر او نازل شدند و به او گفت: «کن تا ما خواسته ای داریم، فرمود: بگویید، گفتند، که دعای خود را از این مردم دریغ دار و این اولین خشم خدا بر این قوم است. فرمود: دعوت ده تا ۳۰۰ سال دیگر به تأخیر می‌اندازم. و پس از انقضای آن مدت نوح دعوت خود را همانند قبل بر آنها ادامه داد ولی باز هم آنها به همان کار سابق خود ادامه دادند تا آنکه در ظهرگاه روزی برای دعاء نشست و سه فرشته از آسمان ششم بر او نازل شدند و آنچه را که سه ملک و فرشته از آسمان هفتم طلب کرده بودند طلب کردند و نوح نیز همان جواب را به آنها داد و پس از گذشت آن مدت نوح دوباره آنها را دعوت کرد پس هم همان رفتار گذشته را داشتند تا اینکه اندک‌اندک شیعه او که به او رسیده بودند نزد وی آمدند و از ستم ظالمان به نوح شکایت کردند. نوح استجاب کرد و دعا کرد، جبرئیل بر او نازل شد و به او گفت: به شیعه خود بگو که محصول خرماي اصسال را بخورند و دانه‌ی آن را بکارند که اگر ثمر این دانه به بار نشست فرج آنان نزدیک است